

مریم سادات گوشه  
روزنامه‌نگار

هنر، در دنیای مدرن با خلاقیت و نوآوری مواجه است. اکنون بیش از نیم قرن است که هنر نقاشی به عنوان یک هنر نوپا در ایران پدید آمده است. هنری که ادغام و درآمیختگی شاخه‌های مختلف دو نوع هنر خوشنویسی و نقاشی است. هنری که مرز بین این دو هنر را شکست و شکلی میانه از نقاشی، گرافیک و خوشنویسی

را با نام نقاشیخط به دنیا معرفی کرد. نقاشیخط شیوه‌ای است در نقاشی مدرن و خوشنویسی معاصر که بتدریج از دهه ۴۰ خورشیدی توسط برخی خوشنویسان و نقاشان شکل گرفت. جلوه‌های پررنگ این هنر در دوره قاجار توسط اسماعیل جلایر خلق شد و مکتب سخاخانه خاستگاه زیبایی‌شناسی این هنر نوآورانه شد. تا جایی که استادانی چون فرامرز پیلارام، رضا مافی، حسین زنده‌رودی، نصرالله

افجه‌ای و محمد احصایی در پیشبرد این هنر و به منصف ظهور رساندن آن بسیار موفق و مؤثر بودند. تا جائیکه این هنر به دست جوانان جوانی نام رسید. هنری که با آمدن حراج‌های خاورمیانه بازاریش در ایران گرم شد و رونق بسیار گرفت. اکنون بسیاری از هنرمندان جوان به خاطر شهرت هنرمندان درجه یک در این رشته و رونق بازار گرایش بسیاری به این هنر پیدا کرده

اند. به طوری که نمایشگاه‌های بسیاری در کشور با عنوان نقاشیخط برگزار می‌شود. در این بین آثار هنری هم به چشم می‌خورد که کیفیت آثار درجه یک هنری را ندارد و به نوعی درجه سه یا چهار هم می‌توان به آنها اطلاق کرد. اما سؤالی که مطرح می‌شود این است آیا بازار هنر گنجایش خیل عظیم آثار نقاشیخط را دارد؟ و آیا عرضه و تقاضای این هنر با هم در تناسب است؟ آیا در گذر تاریخ آثار کپی‌شده و بی‌کیفیت از آثار



گفت و گو با صدق جباری استاد خوشنویسی، طراح گرافیک و پژوهشگر هنر

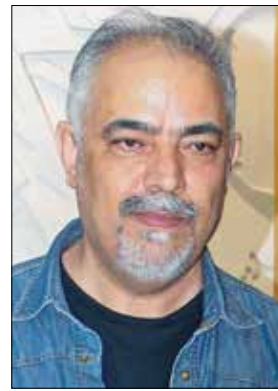
گفت و گو با صدق جباری استاد خوشنویسی، طراح گرافیک و پژوهشگر هنر

## هنرمند نقاشیخط باید اثرش منحصر به فرد باشد نه کپی

## توجه دوباره به نقاشیخط به خاطر حراج‌های هنری خاورمیانه

شما سال‌هاست در عرصه هنر نقاشیخط هنرآفرینی می‌کنید. آثار شما در بی‌نیازهای مختلفی شرکت کرده و اکنون هم در حراج تهران «هنر مدرن ایران» حضور داشت. شما به عنوان هنرمند تراز اول و استاد رشته خوشنویسی چه تعریفی از هنر نقاشیخط دارید و در مورد جایگاه این هنر توضیح دهید؟

وقتی کلمه «نقاشیخط» را به کار می‌برید یعنی یک اثر نقاشی که عنصر تشکیل دهنده‌اش خط و نوشته باشد و این معنا با معنای «خط نقاشی» تفاوت دارد. بعضی وقت‌ها افرادی خط را نقاشی می‌کنند. با خط نقاشی کردن (نقاشیخط) با اینکه خط را نقاشی کنیم دو مقوله متفاوت از هم است. بنابراین وقتی می‌گوییم نقاشیخط یعنی یک اثر نقاشی که عنصر تشکیل دهنده آن خط باشد. هر اثر هنری که در آن خط باشد، نقاشیخط تلقی نمی‌شود. مثلاً وقتی در دنیای گرافیک از نوشته استفاده می‌کنیم دیگر عنوانش نقاشیخط نیست بلکه به آن تایپوگرافی یا کاربرد خط در گرافیک می‌گویند. و یا مثلاً وقتی که از خط در بستری مانند صنایع دستی استفاده می‌کنیم عنوان دیگری پیدا می‌کند و شاید مقوله‌ای به نام خطاطی در اینجا مطرح می‌شود که یک عمل کاربردی است که با خط انجام می‌شود و تغییر و دفرماسیون به تناسب فضای کاربردی آن توسط هنرمند مدنظر است و حتی به آن خوشنویسی هم نمی‌گویند. چون تعریف خوشنویسی هم با خطاطی فرق دارد پس هر اثری هم که خط روی آن باشد خوشنویسی نیست. یکی از جلوه‌های به کارگیری خط غیر از شکل خوشنویسی کلاسیک این است که در جایگاهی قرار گرفته که خواسته باشد با عنصر



تخریب کردن، خوب نیست. چون فردی با نگاهی خاص یا تکنیکی منحصر به فرد حاصل سال‌ها کوشش و پژوهش و تجربه وارد این هنر می‌شود و زحمت می‌کشد تا به زبان شخصی می‌رسد. صرفاً از نعل به نعل آن هنرمند کپی کردن و آن رشته را تخریب کردن چیزی به دنبال ندارد. همان‌طور که در هنر سنتی اعتقاد داریم به اینکه باید با تقلید و نعل به نعل کار کردن شروع شود و به یک پختگی می‌رسد و آن شخص صاحب نگاه می‌شود اما در هنر جدیدی مثل نقاشیخط کاملاً برعکس است. کسی که بخواهد کار ماندگار کند، باید کارش پویانگ و مخصوص خودش باشد و صاحب این لهجه و لحن شود. هر چند کار ساده‌ای نیست.

■ آیا این بروج هنر خوشنویسی در آینده ایجاد مشکل می‌کند؟

به نظر من هر کسی کار خودش را می‌کند. هنرمند خوشنویسی که دارای اعتبار است، یک

برخی استادان خوشنویسی و عرصه نقاشی به اسم «نقاشیخط» انتقاد دارند، آیا این هنر را با این نام می‌توان قبول کرد؟

در حقیقت نیم قرن است که به طور قراردادی نقاشیخط و نیز خط نقاشی را همه پذیرفته‌اند و اکنون هم این دو گزاره با همین نام کاربرد دارد، اما خوب است مخاطبان بدانند که این یک اصطلاح تازه نیست. از دوران قاجار که اولین قدم‌ها برای این هنر برداشته می‌شود، در آثار هنرمندانی مثل اسماعیل جلایر این نام مشاهده می‌شود. این هنرمند در امضای خود پای آثارش می‌نوشته، خط نقاشی. این سندی است که به ما نشان می‌دهد کلمه خط نقاشی یا نقاشیخط از دوره قاجار استفاده می‌شده و امروز هم بسیار گویا و قابل استفاده است و هیچ ایرادی هم به آن نمی‌توان گرفت.

■ منتقدان و کارشناسان حوزه تجسمی معتقدند نقاشیخط به خاطر بازار خوب اقتصادی‌ای که در ایران دارد، خوب رشد کرده و تنها به این دلیل بازارش گرم است. نظرتان در این باره چیست؟

نقاشیخط مدرن و معاصر در دو دوره تاریخی خیلی اهمیت پیدا می‌کند؛ یکی در همان زایش مدرنیسم ایرانی یعنی در دهه ۴۰ و شروع جریان سخاخانه در ایران که هنرمندانی مثل حسین زنده‌رودی و فرامرز پیلارام و صادق



سوءتفاهمی که وجود دارد و در این دو دهه اخیر به آن دامن زده شده، این است که تولید آثار نقاشیخط در دو دهه اخیر به خاطر بازار پررونقی که دارد، بیش از حد نیاز بازار و حتی فضای هنر ایران است. یعنی بیشتر هنرمندان چه خوشنویس و چه نقاش به خاطر رونق بازار کار اصلی خود را رها کردند و اکنون آثار نقاشیخط تولید می‌کنند. حجم تولید این آثار چند برابر نیاز جامعه و فضای هنر است و چون عرضه و تقاضا با هم هماهنگی ندارد، تعداد زیادی آثار داریم که تولید می‌شود و هیچ مخاطبی ندارد. از طرفی نسل جوانتر به دلیل تمنا رسیدن زودتر به شهرت و درآمد بیشتر این تصور را دارند که اگر کار نقاشیخط کنند، فروش می‌رود غافل از اینکه هر اثری که توسط افراد در این زمینه تولید می‌شود الزاماً کار خوبی نیست. نقاشیخط بنیان‌ها و معیارهایی دارد و هنرمند صرفاً به عنوان اینکه خوشنویس یا نقاش است، نمی‌تواند در اجرای آن نقاشیخط موفق باشد. این مسأله بخصوص در مورد خوشنویسان کلاسیک خیلی بحرانی‌تر است. چون این تصور وجود دارد که خوشنویس همان فضای کلاسیک خود را اگر بزرگ‌تر روی بوم با رنگ ایجاد کند، حتماً به نتیجه نقاشیخط می‌رسد. در صورتی که در تعریف هنر معاصر ما نیاز به مؤلفه‌های دیگری هم داریم تا اثر هنری که اگر می‌خواهد



خط نقاشی است. اکنون چند مسأله مطرح می‌شود. یکی اینکه در یک اثر نقاشیخط، خط مورد استفاده در آن اثر می‌تواند خوش باشد یا نباشد. کسی که به خوشنویسی مسلط باشد، می‌تواند موازین زیبایی‌شناسی در خط استفاده کند. ولی وقتی یکی از خط غیر خوش استفاده می‌کند یعنی در اثرش خوشنویسی نمی‌بینید مثل کار استاد زنده‌رودی که عاری از موازین خوشنویسی فارخاست ولی به آن یک اثر نقاشی اتلاق می‌شود و با اثر استاد محمد احصایی که در آن موازین زیبایی‌شناسی و قوانین خط را در نهایت درجه آن می‌بینید. این دو اثر می‌تواند با هم متفاوت باشد ولی به هر دو نقاشیخط اتلاق می‌شود پس نقاشیخط یک اثر نقاشی است که موازین و قواعد و ویژگی‌ها و ارزش‌های بصری یک نقاشی را داراست.

■ آیا می‌توان گفت که هر خوشنویسی نقاش است؟

نه اینگونه نیست. خوشنویسی قواعد و موازین بسیار حساب شده دارد و رشته‌ای است که با قوانین دقیق خودش رشد کرده و به بالندگی رسیده است. یک اثر خوشنویسی ممکن است از منظر یک فرد غیر آشنا با خط فارسی از نظر خوانشی و مفهوم متنی خط فارسی یا عربی، یک قطعه خوشنویسی اثر مدرن و آستره تلقی شود، اما واقعیت این است خوشنویسی در جایگاه خودش ارزش‌ها و معیارهای فاخر خودش را دارد و طبیعتاً هنرمند خوشنویس هم همینطور. اما اینکه خوشنویس به دلیل این توانمندی که دارد، احساس کند تمامی مهارت‌ها و ویژگی‌های یک نقاش را هم دارد،



چون این رشته ظاهراً در حال فرجه شدن است و از آن استقبال نسبی شده اما لطامت و خطرات اینچنینی دارد که دوغ و دوشاب یکی نباید شود و کارهای فیک و بنجل و درجه سه زیاد شده است. هر چند ممکن است عده‌ای بگویند تاریخ خودش اینها را تفکیک خواهد کرد اما فضا را تخریب کردن، خوب نیست

کیفیتی را در کارش احراز کرده است. هر چند خوشنویسی در جایگاه متعالی خود عمری دوگانه می‌خواهد و هنر دیربایی است و اینکه اگر کسی در خط به جایگاهی برسد و زحمت کشیده باشد و آن را رها کند، چنین چیزی بعید است. خوشنویسان تراز اول معمولاً به کارشان ادامه می‌دهند و آنها هم که در خوشنویسی دستی ندارند و نقاشان زبردستی هستند کار خود را می‌کنند. شاید کم هستند و معدودند هنرمندانی که در هر دو حیطه زحمت کشیدند و هر دو را با کیفیت قابل قبول حفظ کرده و کار می‌کنند. استنباطم این است که زمان تاریخ خودش کارهای ناپخته را کنار می‌زند و خوشنویسی فاخر و آثار هنری ارزشمند می‌ماند. نقاشیخط هم به همین منوال است اگر کسی متعهد به کارش باشد و با عشق کار کند، بعید است که اجازه دهد حتی در رشته‌ای که کاری می‌کند به اصول و پایه‌های نوبنیاد آن اطعمه‌ای وارد شود.



تبریزی و بعدتر هنرمندانی مثل رضا مافی و محمد احصایی تلاش می‌کنند تا در استفاده از خط در فضای نقاشی ترکیبات تازه‌ای بسازند. در آن مقطع تاریخی به خاطر نبودن و شروع این جنبش بسیار مورد توجه قرار می‌گیرند و خیلی زود این هنر بین‌المللی و در سطح خاورمیانه و جهان هم به آن اهمیت داده می‌شود. مقطع بعدی حدود ۱۵ سال پیش است. زمانی که حراج‌های هنری در خاورمیانه پا می‌گیرند و بعد در ایران البته با فاصله شکل می‌گیرد و بعد بازاری که ایجاد می‌شود و سلیقه‌ای که این آثار را گردآوری و خریداری می‌کند در خاورمیانه باعث می‌شود توجه دوباره‌ای به این ژانر مشخص از هنر ایران و خاورمیانه شود. بنابراین و در گام اول به جهت تاریخ هنر و آمدن این ژانر مورد توجه قرار می‌گیرد و در گام دوم در فاصله ۵۰ سال اخیر بازار هنر باعث می‌شود دوباره نقاشیخط مورد توجه هنرپژوهان، موزه‌ها و خریداران قرار بگیرد.

■ آیا با رونق گرفتن نقاشیخط و توجه جوانان به این رشته هنر خوشنویسی با سابقه دیرینه‌اش و با هنرمندان مطرحی که دارد، به انزوا خواهد رفت؟

اکنون اکثر نمایشگاه‌هایی که در حال برگزاری است یا نقاشی است یا نقاشیخط و ما کمتر نمایشگاه خط می‌بینیم.



اکنون اکثر نمایشگاه‌هایی که در حال برگزاری است یا نقاشی است یا نقاشیخط و ما کمتر نمایشگاه خط می‌بینیم. سوءتفاهمی که وجود دارد و در این دو دهه اخیر به آن دامن زده شده، این است که تولید آثار نقاشیخط در دو دهه اخیر به خاطر بازار پررونقی که دارد، بیش از حد نیاز بازار و حتی فضای هنر ایران است.

نمونه‌های موفق آن از گذشته تاکنون حسین زنده‌رودی و فرامرز پیلارام و محمد احصایی و در نسل جوان هم می‌بینیم که هنرمندان تلاش خوبی می‌کنند، هم در کار نقاشیخط و هم در کار خط و مجسمه دستاوردهای خوبی ارائه می‌شود.

■ پس می‌توانیم بگوییم که نقاشیخط آینده خوبی دارد؟

بله حتماً. فقط باید حواسمان به میزان تولید آثار باشد و اینکه خیلی وقت‌ها هنرمند باید دانش فنی و دانش تاریخ هنری و شناخت از فرم و رنگ داشته باشد تا بتواند حرف تازه‌ای بزند.